

تحول مسئله عقال با توجه به اصلاح بعضی مواد قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

عصمت السادات طباطبایی لطفی*، بتول مغفوری فرسنگی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۵)

چکیده

هدف از نوشتن این مقاله بحث در شرایط تحقق ارثی که به زوجه می رسد مانند رابطه زوجیت و وجود این رابطه به هنگام فوت مورث نیست بلکه ابتدا به مقدار ارث زوجه از اموال همسر پرداخته و در ادامه به تحولات صورت گرفته در این زمینه با نگاهی اجمالی به قانون اصلاح موادی از قانون مدنی ایران که در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسیده پرداخته می شود. در قرآن کریم خداوند متعال میزان سهم الارث بستگان میت را با یک سری تفاوت‌هایی تعیین کرده و در آن حکمتها و اسراری را نهفته که آدمی به اندازه درک و فهم خودش و با کمک روایات گوشه‌هایی از آن را فهمیده است و این نشان می دهد که احکام مربوط به ارث مانند بقیه احکام بر علم و حکمت الهی استوار هستند. البته بررسی علل دوبرابر بودن ارث مرد نسبت به زن یا دختر نسبت به پسر یا خویشان مذکر پدری نسبت به خویشان مونث پدری مربوط به این نوشتار نبوده و در حدی به آنها اشاره می شود.

کلیدواژگان

ارث، اموال منقول، زوجه، عقال.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: B.Maghfoori@gmail.com

مقدمه

قانون، از مهم‌ترین منابع حقوق است که در کشور ما مطابق اصول ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تشریفات مقرر، از طرف مجلس شورای اسلامی وضع می‌گردد، یا از راه همه‌پرسی به طور مستقیم به تصویب می‌رسد. و به استناد اصل چهارم قانون اساسی؛ کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. بنابراین، آنچه در تدوین و تصویب قانون، مورد نظر است، تطابق آن با شرع و موازین شرعی است که مسئولیت این کار بر عهده شورای نگهبان است. و در صورت بروز اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام است. قانون‌گذار در باب میراث زن و شوهر در ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی قبل از اصلاحیه، می‌گوید: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، لیکن زوجه از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ارث می‌برد و از اموال غیرمنقول (عقار) فقط از قیمت ساختمان و درختان ارث می‌برد. {عقار به معنی زمین، آب و مانند آن (صفی پور، منتهی الارب)».

با نگاهی اجمالی به مساله ارثیه زن متوجه می‌شویم که عموماً شخص زن در حکم کالا و جزئی از ارث محسوب می‌شده است که دارای هیچگونه استقلال مالی نبوده، ولی با ورود اسلام زن دارای کرامت بالایی گشته است، بنابراین به حکم افتخارآمیز اسلام در مورد مسائل مالی زن باید مباحثات کرد که تحولی بی نظیر در حقوق ارث زن ایجاد کرد و در واقع رسم غلط جاهلی را با شناساندن حق ارث برای زن در کنار مرد را عقب زد. (مکارم شیرازی، برگزیده تفسیرنمونه، ۱۳۷۷، ص ۳۷۶)

تفاوت سهم الارث زوجین

آنچه مسلم است این است که در آیاتی از قران کریم از جمله آیات ۷ الی ۱۲ و ایه ۱۷۶ سوره نساء خداوند متعال میزان سهم الارث وابستگان به میت را با تفاوت‌های معین کرده که مسلماً در آن حکمت‌هایی است و آدمی گوشه ای از آنها را به کمک احادیث درک کرده است. و سهم هر وارث بر اساس مصالحی از طرف خداوند تعیین شده است (لا تدرون ایهم اقرب لکم نفعاً یعنی نمی‌دانید

کدام یک برای شما سودمندتر است (۱۱ انساء)) (قرائتی، تفسیرنور، ۱۳۸۴، ص ۲۵۱) در سال ۱۳۸۷ ه.ش قانون مدنی ایران با اصلاح دو ماده ۹۴۶ و ۹۴۸، و سهم کردن زن در قیمت زمین، تحولی چشم گیر در حقوق زن از دارایی شوهر ایجاد کرد که زن از عین و قیمت زمین محروم بوده و تنها می توانسته قیمت بنا و درختان را دریافت کند و با اصلاح مواد فوق، زمین هم مشمول سهم زوجه از دارایی شوهر گردید. برابر ماده ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی، زوجه در صورت داشتن اولاد یک هشتم ارث و در صورت عدم وجود اولاد یک چهارم ارث را می برد. و با توجه به ماده ۹۴۹ قانون مدنی، اگر مرد تنها وارث همسرش باشد همه ارث متعلق به اوست ولی اگر زن تنها وارث همسرش باشد ربع مذکور را ارث می برد و بقیه در حکم مال بلاوارث محسوب گردیده و تابع مقررات ماده ۸۶۶ به دولت بر می گردد که در اختیار ولی فقیه قرار می گیرد. و بنا به ماده ۹۴۷ و ۹۴۶ قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷، زن ارث خود را فقط از ساختمان و درختان می برد و از عین یا قیمت زمین محروم بوده است. این حکم با توجه به انطباقش با نظر مشهور فقهای امامیه برگزیده و تصویب شده بود. که البته مدیون اظهار نظر صریح یکی از فقهای معاصر (ایت الله خامنه ای، طرح یک فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی، ۱۳۸۶، ص ۳) بوده و با اصلاح ماده ۹۴۶ و ۹۴۸ و حذف ۹۴۷ به پایان رسید. اصلاح این مواد در سال ۱۳۸۲ شروع ولی به دلیل مغایرت با شرع، شورای نگهبان آن را تایید نکرد.

بعد از سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار عده ای از بانوان در سال ۱۳۸۶، پیشنهادی از طرف عده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تهیه و در سال ۱۳۸۷ مصوب شد. (مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۴، ص ۳۰۲) که با توجه به این اصلاحیه، زن نیز مانند همسرش از عین اموال منقول و بهای اموال غیر منقول همسرش ارث ببرد. یعنی از عین اموال منقول و اموال غیر منقول بهره مند بگردد.

مساله ای که در اینجا وجود دارد این است که مشخص کنیم با توجه به تبصره ۹۴۶ آیا اگر فوت قبل از تصویب این قانون اتفاق افتاده باشد و ارثیه هنوز تقسیم نشده باشد سرایت به ماقبل می کند یا نه؟ در جواب می توان گفت: با توجه به اینکه آیات ارث و روایاتی که در این زمینه

وارد شده مطلق بیان شده اند چنین می توان فهمید که زن از کلیه ارثیه همسر خود چه عین و چه قیمت ارث می برد.

سخن گفتن از تحول در حوزه حقوقی بدون رعایت اصول حاکم بر حقوق هر کشور ممکن نیست، پس در ابتدا تفاوت احکام ارث زن و شوهر را به این شکل بیان می کنیم:

سهم زن از اموال شوهر، در صورت وجود اولاد برای میت یک هشتم و در صورت نبود اولاد یک چهارم است. این سهم برای شوهر از اموال زن، به همان ترتیب یک چهارم و یک دوم است (آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء)

طبق صدور ماده ۹۴۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (هـ ش) شوهر از تمام اموال زوجه ارث می برد، اما زن برابر مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی از اموال منقول و تنها از قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد. با اصلاحیه قانون مدنی در سال ۱۳۸۷ (هـ ش)، زن نیز مانند شوهر از کلیه ماترک شوهر بهره مند می گردد، با این توضیح که زن از عین اموال غیر منقول، محروم است و فقط از قیمت آنها بهره مند می گردد.

اگر شوهر تنها وارث زن باشد، تمام اموال زن به او می رسد، در حالی که برابر ماده ۹۴۹ قانون مدنی در صورت انحصار ورثه به زن، تنها یک چهارم اموال شوهر به او می رسد و بقیه متعلق به حاکم است و به خزانه دولت واریز می شود. لازم به ذکر است که اسلام، علی رغم سنت جاهلی که زنان از ارث محروم بودند، برای زنان نصیب و بهره ای از ارث قرار داد (للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون «آیه ۷ سوره نساء») خداوند متعال، در آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ و ۶ سوره مبارکه نساء، برای هر یک از خویشاوندان به نسبت دوری و نزدیکی آنها به میت سهم معینی قرار داده است.

نظرات فقهی در مورد ارث زن از اموال منقول و غیر منقول

با توجه به مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی، که در سال ۱۳۰۷ به تصویب مجلس رسید زن فقط از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد. اصلاحیه سال ۱۳۸۷ (هـ ش) مجلس شورای اسلامی، دامنه شمول بهره مندی زن از اموال شوهر را تا قیمت اموال غیر منقول پیش برد، تا جایی

که اگر ورثه قصد پرداخت قیمت را نداشته باشند، زن می‌تواند حق خود را از عین اموال نیز بگیرد. آنجا که مبنای مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مصوب ۱۳۰۷ هـ. ش نظر مشهور، فقهای امامیه است علاوه بر نظر مشهور چند نظریه دیگر از فقهای امامیه نقل شده است که در حال حاضر نیازی به ذکر آنها نیست. اما:

قول مشهور فقهای امامیه براین مطلب قرار گرفته است که: زوجه از عین و قیمت تمامی زمین‌های باقیمانده از شوهر، از قبیل: مزورعی، مسکونی، باغ، خالی از مسکن و زراعت و... محروم است. برابر این نظر زوجه تنها از قیمت آلات، ابنیه و درختان ارث می‌برد و از عین آنها بی بهره است. این نظر مبنای مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (هـ. ش) می‌باشد، استدلال اصلی پیروان قول مشهور، این است که اگر چه از ظاهر قرآن (آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء) بهره‌مندی زوجه از تمام ما ترک استنباط می‌شود، لیکن ظاهر قرآن با روایات وارده تخصیص خورده و به عمومیت قرآن، گرچه در ظاهر باقی است، نمی‌توان استناد کرد. درحقیقت با وجود روایات مانعه، علم به وجود منحص حاصل شده است (انصاری، مکاسب، ۱۳۷۵، ص ۴۰۲. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲)

در اثبات نظر فوق که مشهور است، به روایات ذکر شده در باب ششم ارث زن و شوهر استناد شده است. از جمله:

۱. ابن محبوب، از علی بن رئاب، از زراره، از امام باقر (ع) نقل می‌کند که: زن از کشتزارها، خانه‌ها، سلاح و چهارپایان که شوهر به جای گذاشته، ارث نمی‌برد و از مال، فرش، لباس‌ها و اثاث خانه که از شوهر به جای مانده است، ارث می‌برد و از ساختمان مخروبه، دربها، تنه‌های نخل‌ها و نی‌ها بی که در ساختمان بکاربرده شده حق زن فقط از قیمت آنها پرداخت می‌شود. (حر عاملی، مفتاح الکرامه، ۱۳۸۸، ص ۵۱۷، حدیث ۱) البته این حدیث از نظر سند ضعیف بوده و همینطور به دلیل محرومیت زن از سلاح و چهارپایان (چون فقهای امامیه قائل به محرومیت زن نیستند) سستی آن مشخص می‌شود.
۲. حمیدبن زیاد، از حسن بن محمد بن سماعه، از جعفر بن سماعه، از مثنی، از عبدالملک بن

اعین، از یکی از دو امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نقل می‌کند، که زنان از زمین‌خانه و زمین زارعتی سهمی ندارند. به این روایت به عنوان حجت شرعی نمی‌توان اعتماد کرد. زیرا یکی از فقهای مشهور راویان این حدیث را جماعتی از ضعفا می‌داند (شهید ثانی، همان، ص ۲۶۰).

۳. حسن بن محمد سماعه با چند واسطه از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که: زن از زمین و خانه ارث نمی‌برند مگر در آن ساختمانی ایجاد شده باشد که در این صورت از آن ساختمان ارث می‌برند. (حرعاملی، مفتاح الکرامه، ۱۳۸۸، حدیث ۱۳) حسن محمد سماعه واقفی مذهب است و بسیار متعصب، لذا این روایت از نظر سند ضعیف است.

با جمع بندی و تحلیل روایات بالا می‌توان به این نکات دست یافت که شاید: قائلین به نظر مشهور، به روایاتی استناد کرده‌اند که سند آنها صحیح است، و عمل فقها باعث برطرف شده ضعف این اخبار می‌شود. ولی به هر حال معلوم است که فقهای متأخر و معاصر به این روایات عمل کرده‌اند. این عمل فقها، نشانه آن است که در این روایات، شواهدی برای حمل بر صحت وجود داشته است که آنها، بر آن تکیه کرده‌اند یا به آن عمل نموده‌اند، در حالی که این شواهد به دست ما نرسیده است در پاسخ باید گفت: چگونه است که تاکنون هیچ کدام از فقها به شواهد مورد بحث، اشاره‌ای نداشته‌اند و حتی یک نفر از آنها در این مورد سخنی نگفته‌اند؟ مسلماً عمل فقها هم به تنهایی نمی‌تواند ضعف حدیث را برطرف کند، به خصوص در این بحث، که هم با ظاهر قرآن مخالفت دارد و هم روایاتی در مساله ارث بردن زوجه از اموال غیر منقول وجود دارد.

یکی دیگر از استدلال‌ها، این است که: اگر روایات به صورت متواتر ذکر شده باشند، ضعف سندی آنها جبران می‌شود زیرا در تواتر وثاقت راویان شرط نیست. در این مورد هم، روایات تواتر دارند (شیخ مفید، المقنعه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۹۸) با بررسی روایات وارده در این زمینه و حذف روایات نقل به مضمون و عدم تقطیع و تطبیق روایات با یکدیگر، تعداد روایات به کمتر از هشت می‌رسد (طباطبایی بروجردی، تقریرات ثلاث، ص ۱۱۱) از این فراتر، به ادعای یکی از فقهای معاصر، با توجه یکی بودن راویان اصلی ناقل خبر، مانند: زراره، محمدبن سلم، عبدالملک ابن

اعین، یزید صائغ و فضلالی پنج گانه، احتمال صادر شدن یک جا از امام (ع) و اختلاف در نقل روایت در بعضی از الفاظ و عبارات و عدم تقید روات به نقل عین عبارات و الفاظ، احتمال قوی می‌دهد که مجموع روایات نقل شده در باب حرمان به پنج یا شش روایت برسد (صافی، ارث الزوجه، به نقل از مهرپور، ۱۳۷۰، ص ۱۴۶). با این وصف، با این تعداد روایت، نمی‌توان ادعای تواتر کرد و روایات مخالف را به دلیل تعارض با آنها کنار گذاشت.

آیات قرآنی پیرامون مساله ارث

در آیه ۷-۱۲-۳۳ سوره نساء حکم ارث بردن زن و شوهر از همدیگر را بیان می‌کند به این صورت:

- خداوند در آیه ۷ سوره نساء می‌فرماید: برای مردان از آنچه پدرومادر و خویشان از خود برجای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدرومادر و خویشان از خود برجای می‌گذارند، سهمی چه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. چون در این ایه واژه مما بکاربرده شده به این معناست که سهم زن و مرد از همه ماترکی است که برجای مانده و مشخص است که در ابتدا پدرومادر و در ادامه با لفظ اقربون همه خویشان را چه سببی و چه نسبی را مشمول حکم دانسته که از باقیمانده اموال میت ارث می‌برند (طباطبایی، تقریرات ثلاث، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱)
 - همچنین در آیه ۱۲ سوره نساء مقدار سهم هرکدام از زن و مرد از ارث را بیان می‌فرماید: که سهم مرد با وجود اولاد از آن زن یک چهارم و در صورت عدم وجود اولاد یک دوم است و سهم زن در صورت وجود اولاد یک هشتم و در صورت عدم وجود اولاد یک چهارم است و هیچ استثنایی اعم از مال منقول یا غیر منقول وجود ندارد.
 - در آیه ۳۳ سوره نساء می‌فرماید: برای هر شخص وارثی قرار دادیم که از وی ارث ببرند و هر کسی که با آنها پیمان بسته اند نصیبشان را بپردازند.
- نتیجه این آیات اینکه زن از جمله وراثت بوده که از همه اموال همسر ارث می‌برد.

روایات موافق ارث بردن زوجه از کلیه ماترک

با توجه به آیات قرآنی در زمینه ارث که به صورت عام بیان شده و با توجه به نظر مشهور و اجماع فقهاء این نظر که زن از ارث زمین، خانه و ساختمان محروم است منطقی تر به نظر می رسد (حرعاملی، مفتاح الکرامه، ۱۳۸۸، باب ۷ حدیث (۲) که به عنوان مثال به روایتی در این زمینه اشاره می کنیم.

محمد بن حسن، به روایت از حسین بن سعید، از فضاله از ابان، از فضل بن عبدالملک و ابن ابی یعفر، گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم که آیا مرد از خانه و زمین همسرش ارث می برد، یا در این خصوص مرد هم مانند زن است و از این چیزها ارث نمی برد؟ امام صادق (ع) فرمود؛ هر یک از زن و مرد از هر چه که از خود به جای گذاشته اند از یکدیگر ارث می برند با توجه به این روایت صحیح و معتبر، مشخص می شود که زن از همه ماترک همسر خود ارث می برد زیرا نحوه سوال دلیل بر این است که سائل می دانسته که زن از خانه و زمین همسر ارث نمی برد و فقط راجع به ارث مرد از زن سوال پرسیده است.

البته در این جا دو نظریه وجود دارد:

۱. بعضی فقها گفته اند در این روایت امام (ع) تقیه فرموده اند و برخی گفته اند این روایت در موردی است که زن دارای فرزند است پس در تمام ارث سهیم است. (شیخ طوسی، استبصار، ص ۱۵۵).

در کتاب الانتصار مرحوم سید مرتضی علم الهدی، بعد از آنکه مطرح می شود که زن از عین منزل مسکونی و قیمت زمین بهره ای نمی برد و فقط قیمت ساختمان را دریافت می کند بیان می کند که زن تنها از عین خانه محروم است، ولی قیمت خانه باید برای وی مورد محاسبه قرار بگیرد. و در ادامه بیان می کند که ظاهر آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء، مشارکت زن و مرد در همه چیزهایی است، که میت از خود به جا گذاشته است. و تصریحی بر احتساب یا عدم احتساب قیمت نشده است (علم الهدی، الانتصار، ۱۳۹۱ ق، ص ۳۰۱).

در ارتباط با پذیرش قیمت اموال غیر منقول دو نظریه می تواند مطرح شود:

- اول اینکه زن مستحق دریافت ارث از اموال غیر منقول است ولی با توجه به روایات وارده زن فقط می تواند یک هشتم یا یک چهارم قیمت زمین را دریافت کند حال اگر بقیه وراثت به جای قیمت، عین مال را به وی بدهند حق زن ادا شده است.
 - دوم اینکه زن مستحق دریافت مال به ازای قیمت از اموال غیر منقول است پس زن مالک عین زمین نیست و تنها مالک قیمت آن است بنابراین این قیمت لحظه فوت محاسبه و به زن داده می شود بنابراین وراثت وظیفه دارند قیمت را به زن بدهند و زمانی که این بها به زن داده شود وراثت حق تصرف مالکانه در عین را پیدا می کنند.
- با توجه به این دو نظریه و با توجه به اطلاق آیه ۱۲ سوره نساء و روایات معتبر در این زمینه زن حق دریافت عین را ندارد به همین دلیل بعضی فقهاء قیمت روز تسلیم را معتبر می دانند (کاتوزیان، حقوق مدنی، ص ۳۲۸) و در صورت عدم پرداخت قیمت مال به زوج با توجه به ماده ۹۴۸ ق م ز ن می تواند حق خود را از اموال غیر منقول بگیرد.

اجماع

در زمینه محرومیت زن از برخی ماترک، عده ای از فقهاء به اجماع تمسک جسته اند مثلاً: صاحب مفتاح الکرامه، ادعای اجماع دارد که زن بدون اولاد از شوهرش عین خانه و زمین را ارث نمی برد. (الحسینی العاملی، مفتاح الکرامه، ص ۱۸۹) ابن جنید اولین کسی است که با این اجماع مخالفت کرده است. قاضی ابوحنیفه نعمان صاحب کتاب دعائم الاسلام هم این اجماع را رد کرده است (ابن جنید، مجموعه فتاوا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۳۳۶) و در تفاسیری مانند مجمع البیان نیز، بحثی در این مورد صورت نگرفته است. ادعای بعضی از فقهای معاصر، این است که این موضوع در کتب فقهی ارائه شده نه در کتب تفسیری. اگرچه با توجه به مطالب بعضی کتب تفسیری که به جزئیات پرداخته اند کامل نیست. (سبحانی، نظام ارث فی شریعه الاسلامی، ۱۴۱۵، ص ۳۰۸)، (طبرسی، مجمع البیان ۱۳۷۲، ص ۲۵ و ۲۹). قابل ذکر است که، در بین اجماع‌های ادعایی نیز در موضوع تفاوت وجود دارد. مرحوم سید مرتضی، ادعای اجماع بر محرومیت از عین زمین خانه مسکونی و ابنیه می نماید (سید مرتضی، الانتصار، ص ۱۴۱۵، ۵۵۸). شیخ طوسی (ره) مدعی

اجماع در محرومیت از عین و قیمت تمامی زمین‌ها اعم از زمین خانه مسکونی، مزارع و باغ است (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۱۱۶). ملاحظه می‌شود که موضوع مورد اجماع، یکی نیست و ادعای اجماع بر محرومیت زوجه از انواع زمین‌ها و عین یا قیمت و امثال آن ثابت نیست. موارد نقض اجماع در آرای فقها هم کم نیست (بحرانی، بالحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، ص ۳۶۸).

ارث بردن زوجه از کلیه اموال منقول و غیر منقول اعم از عین یا قیمت

به دلیل احتمال ازدواج زن بعد از مرگ همسر با شخص دیگری و جلوگیری از ورود این همسر دوم بهترین راه پرداخت قیمت زمین و ساختمان به زن می‌باشد. (سید مرتضی علم‌الهدی، الانتصار، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۷۵). به دلیل مطلق بودن آیه ۱۳ سوره نساء، زن از همه اموال همسر ارث می‌برد، با جمع این آیه (آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء) و روایاتی که در این زمینه وارد شده است و فقدان اجماع بر محرومیت زن از عین و قیمت و با توجه به علت و حکمت عدم تحویل عین زمین و بنا به زوجه و روایاتی که دلالت بر ارث بردن زوجه از جمیع ماترک زوجه می‌نماید، پرداخت قیمت زمین و بنا به زوجه به صواب نزدیک تر است (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

با توجه به آیه ۱۲ سوره نساء در عبارت (لهن الربع مما ترکتم) از واژه مما چنین فهمیده می‌شود که (الحرالعاملی، ۱۳۸۸ ق، ص ۵۲۲) زن، مانند همسر خود از کلیه ماترک زوجه اعم از منقول و غیر منقول ارث می‌برد و در این امر، فرقی بین عین و قیمت نیست. یکی از ایرادات وارد بر این نظر اجماعی است که از سید مرتضی (علم‌الهدی، الانتصار، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۷۵) و مرحوم صاحب جواهر (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷) نقل شده است. پاسخ این ایراد، این گونه داده شده است که اولاً این اجماع، منقول است و تنها از خلاف و سرائر نقل شده است، ثانیاً خلاف آن ثابت است، زیرا گروهی از فقها این مسأله را مطرح نکرده‌اند و سهام زوجه را بدون ذکر متعلق آن ذکر کرده‌اند (قبله‌ای، ارث، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶) به نظر می‌رسد، زن نیز همانند شوهر از جمیع ماترک زوج ارث می‌برد و در این امر فرقی بین زنی که از شوهر خود صاحب فرزند باشد که برخی از

بزرگان به آن نظر داده‌اند (خامنه‌ای، طرح یک فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی، ۱۳۸۶، ص ۳) و زنی که از شوهر خود صاحب فرزند نیست، نمی‌باشد.

مبنای فقهی قانون اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی

گفته شد که پس از ملاقات گروهی از بانوان با رهبر انقلاب، ایشان بیان فرمودند: «در همین مسأله ارث زن از زمین و اموال غیر منقول نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده عین است و قیمت آن بلاشک حق همسر و زوجه است و اشکال هم ندارد». همچنین در دیدار ایشان با بانوان مجلس شورای اسلامی آمده است که: «مثل همین عقار که نظر من این است که زن از همه چیز ارث می‌برد و از قیمت. اگر از آن مرد فرزند داشته باشد از عین می‌برد این باید بیاید در قوانین ما» (خامنه‌ای، طرح یک فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی، ۱۳۸۶، ص ۳) با توجه به نظرات مذکور مشخص شد که زن تنها از رباع یعنی زمین خانه‌ها (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۱۵) محروم است (شیخ مفید، المقنعه، ۱۴۱۰، ص ۶۸۷) معلوم می‌شود که طبق قانون، زن از قیمت اموال غیر منقول بهره مند و از عین محروم گشته است حال فرق نمی‌کند که زن از همسر مرحوم خود اولاد داشته باشد یا نداشته باشد.

نقد ماده ۹۴۶ قانون مدنی و تبصره ذیل

دو نظریه در باره پذیرش قیمت اموال غیر منقول می‌تواند مطرح شود:

۱. زن مستحق دریافت ارث از اموال غیر منقول است ولی با توجه به روایات وارده زن فقط می‌تواند یک هشتم یا یک چهارم قیمت مال غیر منقول را دریافت کند. حال اگر بقیه وراثت بجای قیمت مال مذکور، عین مال را به وی بدهند حق او ادا شده است.
۲. زن مستحق دریافت ما به ازای قیمت از اموال غیر منقول است پس زن مالک عین آن مال مذکور نیست و تنها مالک قیمت یک چهارم یا یک هشتم می‌باشد بنابراین قیمت از لحظه فوت حساب شده و به زن داده می‌شود بنابراین وراثت و وظیفه دارند قیمت را به وی بدهند و زمانی که این قیمت به زن داده شد وراثت حق تصرف مالکانه در عین را پیدا می‌کنند.

با توجه به این دو نظریه و با توجه به اطلاق آیه مبارکه سوره نساء و روایات وارده که زن حق دریافت عین را ندارد به همین دلیل به سوالات ذیل توسط قانونگذار با الحاق یک تبصره به ماده ۹۴۶ در تاریخ ۲۶ مرداد سال ۸۶ پاسخ داد.

۱. فوت قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید اتفاق افتاده است و ترکه تقسیم شده است.
 ۲. فوت قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید اتفاق افتاده است ولی ترکه هنوز تقسیم نشده است.
 ۳. فوت بعد از لازم الاجرا شدن قانون جدید اتفاق افتاده است.
- لازم به ذکر است که اگرچه هنوز ابهاماتی وجود داشت که این ابهامات را می توان این گونه پاسخ داد:

الف) مسلماً از زمان تصویب یک قانون احکام همین قانون جدید اجرا می شود مگر اینکه خود قانونگذار تاخیر در اجرای این قانون جدید را اعلام کند پس تا زمان اعلام حکومت قانون جدید، همان قانون قبل اجرا می گردد.

ب) در ماده ۴ قانون مدنی آمده که قانون نسبت به ماقبل از خود بی اثر است مخصوصاً زمانی که با آمدن قانون جدید تحولی شگرف در حوزه مورد نظر اتفاق بیفتد.

ج) با توجه به ماده ۸۶۷ قانون مدنی انتقال ارث از زمان فوت صورت می گیرد زیرا ارث در اثر موت تحقق پیدا می کند و میزان بهره وری هر کدام از وراثت و اموال موروثه با حکم قانون مشخص می شود. که در این مورد می توان دو ایده را مطرح کرد اول همان راهی که قانونگذار برگزیده و دوم قانون قبلی بی اعتبار و در نتیجه قانون جدید به قبل سرایت نمی کند.

به موجب تبصره الحاقی به مصوبه سال ۱۳۸۷ در سال ۱۳۸۹، اراده قانونگذار بر این قرار گرفته است که حکم قانون، به مواردی که فوت قبل از تصویب رخ داده است، ولی هنوز ترکه تقسیم نشده است سرایت کند. به نظر می رسد به باور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تصویب ماده ۹۴۶ با شمول بهره مندی زن از قیمت اموال غیر منقول که بررسی مبانی آن گذشت، کشف نظر

شارع از حکومت این مبنا بر کلیه فوت‌هایی است که در گذشته رخ داده است. بر این مبنا، اگر اموال میت، برابر حکومت قانون گذشته تقسیم و سهم هریک ورثه برابر استحقاق قانونی و شرعی پرداخت شده است، دیگر جایی برای حکومت قانون جدید باقی نمی‌ماند، لیکن چنانچه اموال میت در عین حکومت قانون قبل هنوز تقسیم نشده باشد، از آنجا که اراده شارع بر این قرار گرفته است که زن، از قیمت اموال غیر منقول شوهر خود بهره‌مند شود، کاشف از این است که اراده شارع از ابتدا بر تعلق قیمت اموال غیر منقول به زن قرار گرفته است.

استناد ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ قبل از اصلاحیه به فقه و روایات

مستند فقهی این دو ماده، دیدگاه مشهور از فقهای معاصر بوده و مستند روایی آن نیز روایاتی می‌باشد که قول مشهور، نوعی جمع‌بندی میان این روایات است.

استناد ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ بعد از اصلاحیه به فقه و روایات

مهمترین منبع حقوقی کشور ما طبق اصل ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون است که یا طبق ضوابطی از طرف مجلس شورای اسلامی وضع می‌گردد یا مستقیماً از طریق همه‌پرسی به تصویب میرسد.

و با توجه به اصل قانون اساسی هرگونه قانون و مقرراتی اعم از مدنی، مالی، جزایی و..... همه باید بر اساس موازین اسلامی باشد پس مطابقت آن با شرع مورد نظر است که مسئولیت آن بر عهده شورای نگهبان می‌باشد و در صورت بروز اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی این وظیفه بر عهده مجمع تشخیص مصلحت می‌باشد.

در مورد ارث زن و شوهر با توجه به ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ ق.م. قبل از اصلاحیه گفته شده که: زوج از همه اموال زوجه ارث می‌برد ولی زوجه از همه اموال منقول و همینطور از اموال غیر منقول فقط قیمت ساختمان و درخت را به ارث می‌برد ولی در مجلس هشتم مورخ ۶ بهمن سال ۸۷ با توجه به استفتائی که از مقام معظم رهبری در مورد ارث زن از اموال غیرمنقول صورت گرفت و ایشان هم نظر خود را بیان فرمودند باعث شد که ماده ۹۴۷ حذف و ماده ۹۴۶ به این شرح اصلاح شود که

زوج از همه اموال زوجه ارث میبرد و زوجه در صورت وجود اولاد یک هشتم و در غیر این صورت یک چهارم از عین اموال منقول و قیمت اموال غیر منقول ارث ببرد.

در این جا لازم است جهت بررسی فقهی این دو ماده قانون، دیدگاه بعضی فقها و علمای امامیه در باره ارث زن و شوهر را بطور بسیار خلاصه بیان کنیم:

حکم فقها در باره ارث زن و شوهر به این شرح است که زوج و زوجه از یکدیگر ارث می‌برند یعنی زن یک چهارم اموال شوهر در صورت نداشتن اولاد و یک هشتم در صورت وجود اولاد (چه فرزندان از همین زن باشند یا از زن دیگری) را به ارث می‌برد البته از اموال منقول. ولی باتوجه به اختلاف روایات پیرامون عقار که از مسائل بحث برانگیز فقهی است دیدگاه فقهای مشهور معاصر مانند امام خمینی (ره) و آیت الله مکارم شیرازی و نوری همدانی این است که زن از همه اموال منقول ارث می‌برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی‌برد و از اموال غیر منقول مانند بنا و درختان زراعت و.. هم ارث نمی‌برد و فقط از قیمت آنها بهره می‌برد اما مستند فقهی اصلاحیه جدید ماده ۹۴۶ قانون مدنی در باب ارث زن از شوهر، فتوای مقام معظم رهبری است که آیت الله صافی نیز با اندکی تفاوت، چنین فتوای دارند. مستند روایی آن نیز جمع بین روایاتی است که زن را مطلقاً از ارث بردن اموال غیر منقول منع می‌کنند و روایاتی که در برخی از آنها بیان شده فرقی بین زن و شوهر در ارث وجود ندارد؛ مانند روایت منقول از امام صادق (ع) که راوی می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم آیا مرد از زمین خانه و زمین‌های دیگر زنش ارث می‌برد یا در این مورد همانند زن است و از این اشیا ارث نمی‌برد؟ امام فرمود مرد و زن از تمام اموال یکدیگر ارث می‌برند پس روشن شد مستند فقهی و روایی ماده ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی قبل از اصلاحیه، مشهور از فقها و روایات ذکر شده از امامان معصوم (ع) می‌باشد که به برخی از آن روایات، در مستند روایی دیدگاه مشهور اشاره نمودیم. و مستند فقهی ماده ۹۴۶ پس از اصلاحیه، فتوای مقام معظم رهبری است.

قانون جدید سهم الارث زنان

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۸۷ ماده ۹۴۶ قانون مدنی را به شکل زیر اصلاح کرد: زوجه در صورت فرزنددار بودن همسر، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان را به ارث می برد. و در صورتی که فرزند نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از همه اموال است. در خصوص اینکه ملاک، تاریخ فوت متوفا می باشد بهتر است به نظریه مشورتی شماره ۳۶۸-۷/۱-۸۸ مورخ ۳ خرداد ۱۳۸۸ اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه اشاره شود، به این ترتیب که:

۱. با اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی و قطعیت آن، این قانون لازم الاجرا می باشد.

۲. مطابق ماده ۳ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آئیه است و نسبت به ماقبل خود بی اثر است.

۳. پس با اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸، تسری میراث زوجه به قیمت عرصه، تابع قانون زمان فوت متوفاست، نه قانون زمان صدور گواهی انحصار وراثت.

نتیجه

ازدواج یک رابطه حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است. مسائل حقوقی آن از قبیل نفقه، اجرت المثل، ارث و..... در شرع و قانون مدنی مواد آن بیان شده و برخی از مسائل حقوقی خانواده بسیار مشکل و پیچیده می باشد از جمله ارث. در مورد ارث زنان از اموال منقول و غیر منقول از جهت عین و قیمت نظرات و فتاوی مختلفه وجود دارد ولی به نظر می رسد که قانونگذار با استفاده از شرع و قانون بسیاری از مشکلات خانواده ها را در این زمینه حل نموده است.

بطور کلی می توان گفت که در احکام ارث بین زن و شوهر سه تفاوت اصلی وجود دارد:

۱. سهم ارث مرد ۲ برابر ارث زن است البته در صورت نبود فرزند و الا یک چهارم از اموال زن را به ارث می برد ولی زن یک چهارم از اموال مرد در صورت نداشتن فرزند و الا یک هشتم را به ارث می برد.

۲. اگر مرد تنها وارث زن باشد همه ارثیه متعلق به اوست ولی اگر زن تنها وارث همسرش باشد همان یک چهارم را به ارث می برد و بقیه جزو اموال دولت محسوب می شوند.
۳. مرد از همه اموال زن ارث می برد ولی زن از زمین، عین بنا و درخت ارث نمی برد و تنها از قیمت آنها ارث می برد.

براساس ماده ۸۶۱ قانون مدنی زن پس از مرگ همسرش ارث می برد به شرط این که در عقد دائم او بوده و قبل از مرگ شوهرش زنده باشد. اما ماده ۸۸۰ قانون مدنی می گوید: «اگر زن که وارث شوهر است و او را به قتل عمد رسانده باشد، ارث نخواهد برد». اگر شوهر در زمان فوت هیچ فرزند یا نوه ای از همسرش یا از همسران قبلی نداشته باشد، زن از اموال مرد یک چهارم ارث می برد. در غیر این صورت یک هشتم از اموال مرد را به ارث خواهد برد.

پیشتر، زن به استناد ماده ۹۴۶ قانون مدنی فقط از اموال منقول (هر چیزی که از شوهر باقی مانده بود) ارث می برد و در اموال غیرمنقول (ساختمان و زمین) سهمی به او نمی رسید. اما پس از ۷۰ سال مجلس هشتم ماده قانونی را تصویب کرد که براساس آن زن در صورت داشتن فرزند از همسر مرحومش، یک هشتم از اموال منقول، یک هشتم دیگر نیز از قیمت اموال غیرمنقول از جمله عرصه و عیان - ساختمان و زمین - ارث خواهد برد. در صورتی که مرد هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زن یک چهارم از اموال منقول، همه اموال خواهد بود. همچنین از فروش اموال غیرمنقول یعنی عرصه و عیان - ساختمان و زمین - به میزان یک چهارم سهم خواهد برد. ماده ۹۴۲ قانون مدنی می گوید: «اگر مردی دارای دو یا چهار زن عقد دائم است، پس از مرگش در صورت داشتن فرزند، یک هشتم از اموالش بین زنان به طور مساوی تقسیم خواهد شد. البته به این نکته مهم نیز باید توجه داشت، دو زن که یکی از آنها فرزندی ندارد اما زن دوم و دختر و یک پسر دارد، پس از مرگ همسر، زن اول با آن که فرزندی از شوهر متوفی نداشته است، ولی به علت وجود فرزندان همسر دوم نصف یک هشتم از اموال شوهرش را ارث خواهد برد.» ماده ۸۴۳ قانون مدنی به وصیت کننده اجازه داده که فقط تا ثلث اموالش را وصیت کند. اگر وصیت فرد متوفی بیش از این مقدار باشد باید ورثه در خصوص بقیه اموال اجازه دهند. یعنی اگر خانه ای که از سوی

شوهر متوفی برای همسرش وصیت شده از نظر قیمتی بیش از یک سوم اموال او نباشد وصیتنامه صحیح است. در غیر این صورت باید ورثه درباره بقیه ثلث اموال اجازه دهند. براساس ماده ۹۴۰ زنی که عقد دائم مرد متوفی بوده ارث می‌برد و اگر زنی که در عقد موقت مرد بوده ارث نخواهد برد. در ماده ۹۴۳ قانون آمده است: «اگر مرد، زن خود را به صورت رجعی (طلاق) که به طور معمول انجام می‌یابد (طلاق داده باشد و در زمان عده فوت کرده باشد زن از اموال شوهر ارث می‌برد.

با اصلاح ماده ۹۴۶ و ۹۴۸ و حذف ماده ۹۴۷ قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۸۷ تحولی در ارث زن از همسر ایجاد شد. به موجب این قانون، زن که تاکنون از بردن اموال غیرمنقول بهره ای نداشت از قیمت زمین هم بهره مند شد. که البته می‌توان گفت: این تحول نتیجه فقه پویای امامیه است که بر طبق اصول و مبانی اساسی و استفاده از اطلاق آیه ۱۲ سوره نساء و روایاتی که در این زمینه وارد شده است زوجه را مستحق دریافت قیمت اموال غیر منقول می‌داند. و بسیار روشن است که این قانون در مورد فوت‌هایی است که از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون رخ می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، بی‌تا.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۷)، «ارث»، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۶)، طرح یک فوریتی اصلاح مواد قانون مدنی، مجلس شورای اسلامی، شماره چاپ ۲۰۰۵.
۴. رحیمی اصفهانی و همکاران، عباسعلی، (۱۳۸۳)، «مجموعه قانون مدنی»، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
۵. قربانی، فرج‌الله، (۱۳۸۲)، «مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور»، تهران، انتشارات فردوسی.
۶. قرائتی، محسن، (۱۳۸۴)، «تفسیر نور»، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، «حقوق انتقالی»، تهران، کانون وکلای دادگستری.
۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، «حقوق مدنی» (درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث)، چاپ هفتم، تهران، میزان.
۹. مجموعه نظریات شورای نگهبان، (۱۳۸۴)، تهران، دادگستری، ج ۷.
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، «مجموعه آثار»، تهران، انتشارات صدرا.